

وصیت نامه پاسدار شهید فتح‌الله اکبرزاده

بسم الله الرحمن الرحيم

ان الله اشترى من ائمة مؤمنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله فيقتلون و يقتلون . . . و ذلك هو الفوز العظيم.

همانا خداوند جان و مال مؤمنین را به بهای بهشت از ایشان خریداری نموده که در راه خدا جهاد میکنند پس میکشند و خود کشته میشوند و این سعادت و پیروزی عظیمی است .

کدامین واژه‌ای را می‌یابید که در مفهومش معنای بعمق دریاها و چه کوچک است دریا و در رفعت باوج آسمانها و چه حقیر و پست است آسمان و در وسعت به عظمت عالم و چه ضعیف و کوچک است دنیا نهفته باشد جز شهادت . کدامین واژه را سراغ دارید که در کران تا کران معنایش تمامی ارزشهای والا و حقایق متعالی و نمود همه کمالات انسانی و کرامتهای پر ارج آدمی چون شرف فضیلت و حریت بلند نظری آزادگی، حق پرستی عدالت شهادت ایثار و فداکاری دفاع از حق ، خروش و فریاد بر باطل حیات متبلور باشد جز شهادت . کدامین مرگ است و نه مرگ که آغاز هر حیات و هستی و پرواز و نور کمال است (جز شهادت) کدامین عامل موثر و قوی است که آدمی از این خاکدان پست به اوج ملکوت آسمانها و بسیار برتر از آن به نزد خدا و حضور پروردگار سیر

داده و بالا برد . کدامین انسان است که تبلور و تجسم تمامی این حقایق و نمایش همه این کمالات و نامش در میان در میان هاله‌ای از عظمت خدا است و عزت و افتخار و آرزو باشد (جز شهید) و کدامین کس را تو می‌یابی که مرغ خیالش در آسمان آرزو نیل به چنین مقامی والا و مرتبتی عظیم پرواز نکند .

با درود بر تمامی شهیدان بخون خفته اسلام ، شکر و سپاس خدائی را که در گوشه‌ای از پهنه زمین امامی بزرگوار از سلاله حسین (ع) قیام کرد و بانگ بر سر طاغوتیان و فرعونیان و پیروان شیطان آورد ، که ای خود باختگان و خودپسندان که در تاریکی گام برمیدارید محکوم به فنا هستید چون ابراهیم و موسی و جدش محمد (ص) بت‌های دروغین را شکست و به مستضعفان جهان نشان داد که اینان پوچ تر از آنند که جای گزین خداوند یکتا در زمین باشند، دعوی خدائی کنند.

من سهم خود باید بگویم که اسلام را از پدر و مادر خود به ارث نبرده‌ام بلکه با ظهور امام خمینی مکتب خود را با شناخت انتخاب کردم و شما ای جوانهای برومند اسلام به امام و شهیدان وفادار بمانید و پوزه ابرقدرتها را بخاک بمالید بیاری خدا و امام زمان (عج) و نایب بحقش پرچم اسلام را بر تمامی کاخهای ظلم و ستم برافراشته کنید . همانا خداوند وعده داد که مستضعفین بر مستکبرین پیروز خواهند گشت و ای جوانهای حزب‌الله در هرجائی که هستید بر سر این منافقین ضد خلقی بکوبید (که منافقین از خدا بی خبر بدتر از کفار صدامی هستند) . من تا آخر لحظه عمرم و آخرین قطره خونم و آخرین فشنگم بر علیه منافقین از خدا بی خبر که بفرموده امام میخواهند کشور را به تباهی بکشند ، می‌جنگیم و به امید خدا پیروزی از آن ماست در خاتمه به خانواده‌ام سفارش می‌کنم که تا زنده هستند دست از اسلام و امام برندارند چون راه سعادت همین است و بس .

به فرزندانم پیاموزید که راه شهیدان را ادامه بدهند (ان الحیوه عقیده و جهاد) خداوندا بمن سعادت و نصیب شهادت بده .
والسلام - پاسدار انقلاب اسلامی آمل فتح‌الله اکبرزاده

زندگینامه پاسدار شهید فتح‌الله اکبرزاده

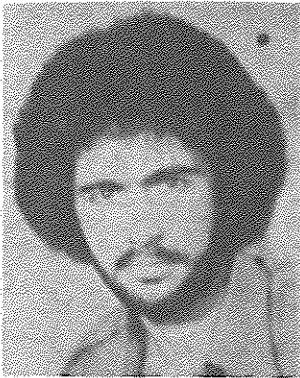
بسم الله الرحمن الرحيم

شهید فتح‌الله اکبرزاده در سال ۱۳۳۶ در کمانگر کلا دیده بجهان گشود. وی تا کلاس ششم ابتدائی درس خواند و دوران قبل از انقلاب فعالیت‌های زیادی داشت.

در زمان خدمت وظیفه در مشهد مقدس در جلسات مذهبی و تظاهرات شرکت میکرد و بعد از انقلاب در تشکیل انجمن اسلامی محل و بسیج نقش مهمی داشت. همیشه بسیج محل را جمع آوری میکرد و آموزش میداد تا بموقع آنها برای نگهبانی از انقلاب مفید باشند و نیز صندوق قرض‌الحسنه در محل توسط شهید تشکیل شد. روزهای استراحتش را در انجمن محل می‌گذراند. او یکی از پیروان بحق ولایت فقیه بود و پاسدار صاحب زمان (عج).

خصوصیات اخلاقی او را از پدرش نقل می‌کنیم که وی از کودکی دنبال عبادت و پرستش خداوند یکتا بود. هر کاری که برای بیچارگان میکرد مزدی نمی‌گرفت و می‌گفت برای رضای خدا کار می‌کنم. خلاصه کارش الهی بود. شهید متأهل بود و دارای دو فرزند می‌باشد.

شهید در تاریخ ۶/۱۱/۶۰ در درگیری آمل چند نفر مزدوران را به درک و اصل کرد و سرانجام به آرزوی نهائی خود که آرزوی هر مؤمن است رسید و شربت شهادت را نوشید.



وصیت نامه شهید رحیم عزیزی

بسم الله الرحمن الرحيم

«ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون.» کسانی که در راه خدا کشته میشوند مرده میندازید بلکه آنان زنده اند و نزد خدای خودشان روزی می گیرند.

انما الحياه عقیده و جهاد : همانا زندگی عقیده و جهاد است.

آری اینک وقت جهاد است، در بحران حوادث قد علم کردن و از عشق سوختن، سوی حق پر کشیدن و اسلام را زنده کردن و اوج گرفتن روز شرافت است، روز شهادت است، روز تابع بودن از ولی امر یعنی خمینی بتشکن، پرچمدار اسلام که زنده کننده راه پیروزمند حسین (ع) است. من راهم را انتخاب کردم. راه عدالت، انسانیت راه خدا و اسلام.

امام حسین (ع) ۱۳ قرن پیش فریاد میزد هل من ناصر ینصرنی و اکنون با صدای بلند فریاد میزنم: لبیک، لبیک، لبیک ای ملت ای برادر و ای خواهر و ای همسنگر بهوش باش بهوش. زیرکانه و عاقلانه بیاندیش. بسوی حق و براه امام به پیش رو که راه عدالت است دور از منافقین و چپ و راست و آمریکا و شوروی. ای آنکه هر دم میگویی اهدنا الصراط المستقیم یعنی خدایا مرا براه راست هدایت فرما پس براه راست که راه خمینی است پیش رو. و تنها وصیتم این است که امام را تنها

نگذرید و مانند کوفیان نباشید که امام را تنها گذاشتند.
پدرم، و ای برادرهایم و ای خواهرهایم برای من گریه نکنید و هرگز ناراحت نشوید. اگر من رفتم امام را که دارید. به او افتخار کنید که چنین رهبری داریم، پدرم، عزیزم من رفتم برای من گریه مکن برای اینکه من در راه اسلام جانم را از دست دادم و این از افتخارات بزرگ شماست.

پدرم نباید گریه بکنی، و نباید ناراحت شوی باید خودت را قانع کنی از اینکه من از علی اکبر بالاتر نیستم. پدرم باید خوشحال شوی از اینکه من در راه اسلام جانم را از دست دادم یعنی در راه حق و حقیقت و یکتاپرستی. هیچوقت بشما تسلیمت نگویند، شما تبریک بگویند از این که چنین فرزندی بزرگ کردی که او در راه اسلام جان خود را از دست داد.

برادرهایم باید دلیرانه در جلوی جنازه ام قدم بزنید و با مشت های گره کرده خودتان بر دهان یاوه گویان بزنید و نه اینکه گریه کنید برای اینکه دشمن از گریه کردن شما سوء استفاده میکند.

بگفته ام خمینی، ملتی که شهادت را سعادت میداند آن ملت پیروز است چه بکشند و چه کشته شوند. و خواهرانم زینب گونه در جلوی جنازه ام قدم بزنید و با مشت های گره کرده خودتان بر دهان یاوه گویان بزنید، نه اینکه گریه کنید. دشمن از گریه کردن شما سوء استفاده میکند. وقتی که من شهید شدم مرا با لباس های بسیج که بر تنم است دفن کنید. مرا در پائین محله یعنی در پشت سر شرکت دفن کنید و هر غروب به سر قبر من بیایید و یک فاتحه هم بخوانید تا مرا فراموش نکنید.....

والسلام - رسید رحیم عزیزی

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت نامه شهید رحیم عزیزی در بیمارستان امیرالمؤمنین (ع) تهران.
سلام مرا به پدر و مادر و تمام برادران برسانید و بگوئید برای من

غصه نخورند راه انقلاب را پیش بگیرند و امام خمینی را تنها نگذارند، که امام امید امت است. به پدرم بگوئید برایم گریه نکند من دیگر میروم خیالم راحت میشود.

پدر زیاد خسته شده خداوند انشاءالله او را اجر دهد. هیچوقت برایم گریه نکنید اینهمه شهید شده‌اند، فقط همیشه مرا دعا کنید. -
اگر خوب شدم حتماً به جبهه میروم اگر مردم خیالم راحت میشود بعد از مردنم سرقبرم عکس امام را نصب کنید به همه بگوئید مرا ببخشند. به انجمن اسلامی محل بگوئید از من راضی باشند. شهید علی آرائی خوب جایی است، دارد کیف میکند من دیگر دارم میروم برایم اذان بگوئید به خواهر و دامادم بگوئید سر نماز مرا دعا کنند در نزدیکی شهرداری آمل در حالیکه داشتم سنگر درست میکردم از دست کفار تیر خوردم. چرا مردم را کشتید ای از خدا بی خبرها، ای بی همه چیزها. خدایا مرا ببخش .
والسلام - و در ساعت ۲۲۰ روز ۱۴/۱۱/۶۰ به لقاءالله پیوست.

روانشان یاد داورشان مستدام باد

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ

يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ

صَفَّاكَانُمْ

بَيِّنَاتٍ مِّنْ صُورٍ

سورة صف
آية ٤

انقلاب اسلامی گوش و چشمش پر از شهیدان حسین گونه است.

(امام خمینی)



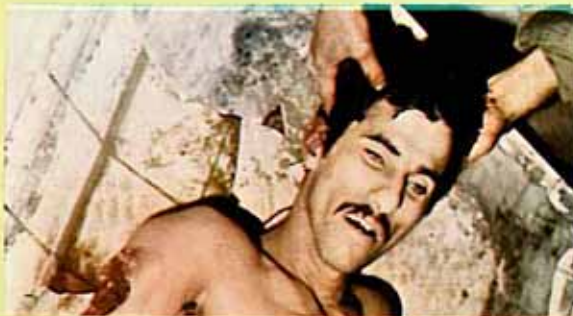
شهید منوچهر محمدنژاد



شهید رمضان رضانی



شهید ناصر رسولی



شهید اکبر فصلی درزی



شهید محمد دیوسالار

ما شهادت را یک فوز عظیم می‌دانیم و ملت ما شهادت را به جان و دل
قبول می‌کند.
(امام خمینی)



پاسدار شهید غلامرضا هدایتی



شهید نور محمد عبدی نژاد



خواهر شهید طاهره هاشمی



پاسدار شهید حمید ایزدی

ملت عزیز ما در روز رستاخیز با سرافرازی در پیشگاه مقدس خدای بزرگ و پیامبران و اولیاء عظیم‌الشان، صفهای طولانی از شهیدان در راه دفاع از حق عرضه می‌دارد.
(امام خمینی)



شهید فضل‌الله سلیمانی



شهید قاسم ولی‌پور

شهید خیرالله عباس زاده



شهید محمود افرکش



شهید پرویز بازدار